

در بزرگداشت

صدیق کمانگر

و

غلام کشاورز

حمید تقوائی

متن زیر پیاده شده از سخنرانی حمید تقوائی - استکھلم - سپتامبر ۲۰۱۹

مندرج در انترناسیونال ۹۳۷

۱۹ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

متن زیر پیاده شده از سخنرانی حمید تقوایی
-استکهلم - سپتامبر 2019

خیلی متشکرم که این فرصت را بمن دادند تا
من هم چند کلمه در بزرگداشت این دو عزیز
صحبت کنم. امروز، دیگر سخنرانان از زوایای
مختلفی درباره این عزیزان صحبت کردند. من
سعی میکنم در یک سطح شاید فراتری و با
دیدگی که امروز به گذشته نگاه میکنیم نقش و
جایگاه این دو رفیق عزیز را توضیح بدهم.

من فکر میکنم صدیق کمانگر و غلام کشاورز
دو چهره برجسته هستند در یک نقطه عاطفی
در جنبش کمونیستی در ایران. اگر کارنامه این
رفقا را در بررسی کنید، در همان حد که در

اینجا معرفی شد، متوجه میشوید که صدیق کمانگر نقش اساسی ای داشت در اجتماعی شدن کمونیسم در یک منطقه ای که تن به جمهوری اسلامی نداد و در برابر ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده، ایستاد. سابقه مبارزه هم صدیق وهم غلام برمیگشت به دوره سلطنت و مبارزه علیه رژیم شاه. ولی وقتی درخشیدند که انقلاب عظیمی در جامعه شکل گرفت، و در منطقه ای به اسم کردستان مردم تسلیم نشدند، و ایستادند، و به نحوی انقلاب ۵۷ در کردستان ادامه پیدا کرد. الان رفیق حسن شمس گفت که وقتی هیات هائی از سران رژیم تازه بقدرت رسیده به کردستان رفتند، برای بقول خودشان "خواباندن غائله"، که من شنیدم نوروز سنندج را "غائله صدیق" میخواندند، از زبان صدیق با

صدای رعد انقلابی روبرو شدند که قیام بهمن را در تهران سازمان داده بود و کوبیده بودندش. در دوره ای که رژیم به دانشگاهها ریخته بود و چپها را از خیابانها جمع میکرد صدیق کمانگر به عنوان چهره و رهبر و صدای رسای انقلاب و جنبش کمونیستی در کردستان بلند شد و جواب کوبنده ای به آنان داد. به این معنا صدیق کمانگر نقش اساسی ای داشت در اینکه کومله از یک سازمان زیر زمینی نیمه مخفی تبدیل بشود به یک نیروی اجتماعی. البته رفقای دیگری هم از رهبری کومله در این جهت نقش ایفا کردند ولی مشخصا صدیق نقش کاملا تعیین کننده ای داشت. فکر کنم از رفیق فواد مصطفی سلطانی اینجا نقل کردند که گفته بود صدیق کومه له را عضو خودش کرد. صدیق اولین بار وقتی بلند

شد و به عنوان نماینده کومله در شورای موقت انقلاب سنندج صحبت کرد هنوز رسماً عضو کومله نبود. ولی آنجا تصمیم گرفت و از قول کومله صحبت کرد و یکی از مهمترین تحولاتی که کومله را به یک حزب اجتماعی رادیکال و محبوب در میان توده مردم، نه فقط در کردستان بلکه در ایران تبدیل کرد همان حرکت صدیق کمانگر بود. صدیق کمانگر کومله را از خیابانها، از روستاها، از کوچ مریوان، از قیام سنندج به دالانهای قدرت برد. او به عنوان مدعی در برابر ارتجاعیون تازه به قدرت رسیده ظاهر شد و گفت قدرت از آن مردم است. بعد از این مذاکرات رژیم مجبور شد شورای سنندج را به رسمیت بشناسد. بخاطر پایداری و پافشاری صدیق. بخاطر اینکه نه تنها خیزش مردم کردستان

بلکه انقلاب سرکوب شده ایران در آن مقطع در هیات مذاکرات نماینده داشت، چهره داشت. این نقطه عطفی بود که کومله را به کومله، به یک نیروی اجتماعی محبوب تبدیل کرد. نام صدیق در تمام ایران پیچید. و ما کمونیست هائی که آن موقع در تهران در خانه های مخفی زندگی می کردیم صدیق را شخصیتی میدیدیم، چهره ای میدیدیم که در جلوی صف ایستاده است و دارد انقلاب ایران را نمایندگی میکند و در کردستان ادامه میدهد.

غلام هم به نحوی همین نقش را در اتحاد مبارزان کمونیست ایفا کرد. غلام از سر دیگری داشت در این جهت حرکت میکرد. من بجزرات میتوانم بگویم که لااقل از نظر تشکیلاتی اتحاد

مبارزان بدون غلام اتحاد مبارزان نمیشد. او رفیقی بود با ارتباطات بی نهایت. من هیچوقت نفهمیدم غلام در هر روز چند نفر را ملاقات میکند. در دوره بعد از قیام، سالها ۵۸ و ۵۹، از صبح بلند میشد و تا شب ده ها نفر را میدید و هر روز گزارش می آمد که این و آن رفیق و این جمع و آن جمع را غلام به اتحاد مبارزان جذب کرده است. او نه تنها یک مروج لایق بود بلکه در اشاعه مارکسیسم انقلابی که در آن دوره سر بلند کرد و یک پایه دیگر حزب کمونیست ایران شد، غلام یک چهره موثر و فعال سازمانده بود، و یک چهره زنده از این نظر که قلب کمونیسم را نمایندگی میکرد و نه فقط مغزش را. او کمونیست پرشوری بود که مارکسیسم انقلابی به او امکان و قدرتی داده بود

که کمونیستهای ایران را به سیاستها و اهداف آرمانی خود جلب کند. کمونیست هائی که اکثر آنها در برابر جمهوری اسلامی گنج شده بودند، بر خورد دوگانه میکردند، بعضی می گفتند رژیم ضد امپریالیست است، بخصوص بعد از تسخیر سفارت آمریکا خیلی ها از آن طرف غش کردند و به سمت جمهوری اسلامی رفتند. مارکسیسم انقلابی و رفقائی مثل غلام بودند که در برابر این موج ایستادند و محفل به محفل میرفتند، کمونیستها را میدیدند، با آنها بحث می کردند و می گفتند راه این است. راه، مارکسیسم انقلابی است. چپ آن دوره تئوری میداد که جمهوری اسلامی رو به داخل سرکوبگر است ولی در سیاست خارجی و بین المللی مترقی است. چون سفارت گرفته است و غلام با پرچم مارکسیسم

انقلابی میگفت داخل و خارج نداریم. این رژیم در همه زمینه ها ارتجاعی است. آنچه صدیق در کردستان از نظر سیاسی و اجتماعی نمایندگی میکرد و فریادش را بلند میکرد غلام از نظر سیاسی و نظری و تئوریک در محافل مخفی و نیمه مخفی در تهران گسترش میداد. و به این ترتیب بود که مارکسیسم انقلابی و کومله حزب کمونیست ایران را تاسیس کردند.

حزب کمونیست ایران یک دستاورد و یک نقطه درخشان در تاریخ چپ در ایران هست و همیشه باقی خواهد ماند. غلام و صدیق دو چهره ای بودند که این دو شاخه کمونیسم را در آن دوره کاملاً نمایندگی میکردند. حزب کمونیست ایران محصول تلفیق این دو بود. در

اینجا وقتی عکسهائی دیدم که این دو رفیق را کنار هم نشان میداد این تصویر جلوی چشمم آمد که جنبش کمونیستی در مناطق آزادی که بدست خودش ایجاد کرده بر سر پا بلند شد و اجازه نداد طبقه کارگر ایران زیر فشار اعدامهای دهه شصت و ترورهای سال شصت و هفت که این دو عزیز را از ما گرفت کمرش بشکند. و به نومییدی و یاس دچار شود. در آن دوره بود که رادیو صدای انقلاب، که مدیریت آن آخرین مسئولیت صدیق بود، امید پخش میکرد. امروز رفقائی در میان ما هستند که از زندانها خبر تشکیل حزب کمونیست را شنیدند و روحیه گرفتند و در زندان سربلند ایستادگی کردند و با سربلند از زندان بیرون آمدند. چون فهمیدند ارتجاعیون حاکم با همه توحششان

جنبش کمونیستی را نتوانستند زیر خاک کنند.
نتوانستند دفنش کنند و نتوانستند به شکست
بکشانند. و غلام و صدیق دو چهره ای بودند که
نقش تعیین کننده ای در آن تحول داشتند.

این دو رفیق فقط دوستان ما نیستند، فقط
چهره های متعلق به یک حزب، یا حتی متعلق
به یک جنبش نیستند. چهره های یک جامعه
بلند شده در سال ۵۷ برای آزادی و برابری و
رفاه هستند، آن جامعه را نمایندگی کردند و
امروز انقلابی در برابر چشمان ما دارد شکل
میگیرد که به نظر من ده ها صدیق و ده ها
غلام را بجامعه معرفی خواهد کرد. و آنها قدر
پیشکسوتان خود را خواهند دانست و همانطور
که دوستان گفتند خیابانها و میادین وسالنها به

اسم این دو رفیق ثبت خواهد شد. در کردستان
و در سراسر ایران. این دو چهره درخشان
جاودانی اند، بخاطر اینکه مبارزه ما برای آزادی،
برای برابری، برای سوسیالیسم و در دفاع از
سوسیالیسم جاودانی است.

متشکرم.

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام